

تحلیل حقوق بشری مکانیسم بینابینی عدالت انتقالی سنتی و رسمی در رواندا؛ گاجاچا

سیدقاسم زمانی (نویسنده مسئول)

استاد گروه حقوق بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. drghzamani@gmail.com

یوسف بابایی داشلی برون

دانشجوی دکتری حقوق بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

yousef.babaei@outlook.com

قابل انتشار در شماره شماره ۵۷ (بهار ۱۴۰۳) نشریه پژوهشهای حقوقی

چکیده

بیش از یک میلیون نفر در نسل کشی ۱۹۹۴ رواندا مشارکت داشتند. رواندا که زیربنای عدالت کیفری اش توسط نسل کشی ویران شده بود، چگونه تلاش نمود تا مجرمان را به دست عدالت بسپارد؟ در این مقاله، نخست در صدد ارائه یک نمای کلی از تحقق عدالت انتقالی با توسل به ابتکارات قضایی رواندا یعنی دادگاه‌های گاجاچا، الهام گرفته اما متفاوت از سیستم عدالت سنتی جامعه-محور برای رسیدگی به جنایات نسل کشی و تحکیم صلح و سازش هستیم. پس از بررسی مختصر سیستم عدالت غیررسمی پیش از استعمار و خاستگاه و نحوه شکل‌گیری دادگاه‌های گاجاچا، به تشکیلات، اختیارات و روند دادرسی دادگاه می‌پردازیم. در نهایت، با برجسته نمودن برخی از دستاوردها و پیامدهای دادگاه، بر چالشهای حقوق بشری و نقاط ضعف سیستم گاجاچا تمرکز می‌نماییم. علیرغم انتقاداتی که بر سیستم گاجاچا وارد است استدلال اصلی مقاله این است که اجرای عدالت انتقالی با استفاده از سیستم گاجاچا در رواندا، زمینه ساز استقرار حقوق بشر، بازگشت آرامش و ثبات در جامعه مخاصمه‌زده یا در حال گذار رواندا به دموکراسی شد.

کلید واژگان: گاجاچا، سازوکارهای غیررسمی عدالت انتقالی، رواندا، حقوق بشر، ژنوسید، عدالت، صلح و سازش،

مسئولیت.

Human Rights Analysis of Traditional and formal transitional Justice in Rwanda: Case of Gacaca

More than one million have participated in the Rwandan genocide in 1994. How Rwanda was able to hold the perpetrators accountable and restore justice while its criminal justice was collapsed due to genocide? First, we will look at the general picture of fulfillment of transitional justice in Rwanda through Gacaca courts which were inspired by traditional society-centric criminal justice system. These courts were established to address genocide, establishing peace and reconciliation. After short review of history of traditional justice system before colonial period, we shall discuss formation of the Gacaca courts, their structure, authority and criminal procedure. At the end, while we shall hail some of the achievements of the court, we shall discuss challenges caused by the courts namely due process, non-legality and non-accountability. Shortcomings of the Gacaca courts also shall be reviewed. Our proposition is that although Gacaca courts have their shortcomings and have been criticized, they have helped to establish peace and stability and human rights in the war-torn society of Rwanda.

Key Words: Gacaca, Traditional Mechanisms in Transitional Justice, Rwanda, Human Rights, Genocide, Justice, Peace and Reconciliation, Responsibility.

درآمد

به زعم نخستین کمیساریای عالی پناهندگان، فریتيوف نانسن، دشوار آن چیزی است که زمان کمی صرف آن می‌شود، اما غیرممکن چیزی است که زمان طولانی‌تری نیاز دارد.^۱ مسئولیت برای ژنوسید رواندا همیشه غیرممکن به نظر می‌رسید. ژنوسید رواندا یکی از خونین‌ترین فجایع تاریخ انسانی مدرن و یکی از بزرگترین کشتارهای دسته جمعی در زمان جنگ است که در قرن بیستم رخ داده است. تعداد زیاد کشته‌شدگان، با شدت تقریباً پنج برابر بیشتر از هولوکاست، تقریباً ۶۰ درصد کل جمعیت توتسی که حدود ۱۰ درصد تعداد شهروندان رواندا را تشکیل می‌داد در طول کمتر از صد روز عمدتاً با ابزارهای سرد کشته شدند.^۲

روند عدالت انتقالی رواندا بعد از پایان نسل‌کشی سال ۱۹۹۴ جایی که بیش از یک میلیون شهروند رواندا کشته شدند، آغاز شد. در همین حال، بیش از ۱۰۰ هزار نفر در بند، منتظر محاکمه بودند این امر شروع یک تنش اجتماعی بزرگ و بار سنگینی بر دوش یکی از فقیرترین کشورهای جهان یعنی رواندا بود. حتی تعداد بیشتری از این افراد که هنوز در معرض دید عموم بودند بایستی مسئول و پاسخگو باشند. استبداد رواندا، همراه با شرم‌آوری جامعه بین‌المللی ممکن است توضیح دهد که چرا پس از گذشت بیش از یک دهه، ما هنوز در تلاش برای یافتن راه‌حلی بودیم. در واقع، غیرممکن زمان طولانی‌تری نیاز دارد. محاکمات سیستم عدالت داخلی رواندا در روزهای پایانی سال ۱۹۹۶، چند هفته قبل از اینکه دیوان کیفری بین‌المللی برای رواندا اولین محاکمه‌اش را برگزار نمود، شروع شد. در سال ۱۹۹۹ رواندا، شکل جدیدی از محاکم معروف به گاجاچا بر مبنای مدل‌های بومی عدالت محلی پیشنهاد نمود که نهایتاً بعد از گذراندن ۵ سال دوره آزمایشی، نهایتاً در سال ۲۰۰۵ عملیاتی شد. گاجاچا به عنوان یک راه‌حل میانی بین محکومیت کیفری و کمیسیون حقیقت‌یاب، برای برخورد با نقض‌های حقوق بشری گذشته و به عنوان راهی برای پایان دادن به خشونت و تحکیم صلح در رواندا طراحی شده است. زمانی که جامعه انتقالی رواندا به سمت سازوکارهای بومی گاجاچا به عنوان جایگزینی برای سازوکارهای کیفری رفت، مشکلی که ایجاد شد این بود که از یک سو ضرورت مجازات ناقضین حقوق بشر و جبران حق قربانیان وجود دارد؛ و از سویی دیگر، مجازات تحقق صلحی پایدار که در آن امکان شکوفایی دموکراسی باشد را به خطر می‌اندازد. این مقاله تأثیر به کارگیری سازوکارهای سنتی گاجاچا بر ارتقای وضعیت حقوق بشر در جامعه پسامخاصه رواندا را تجزیه و تحلیل می‌نماید.

۱- پیشینه مخاصمه و زمینه‌های شکل‌گیری گاجاچا؛ سیستم قضایی غیررسمی پیش از استعمار در

رواندا

تاریخچه نسل‌کشی رواندا برای درک ایجاد سیستم پسا- نسل‌کشی گاجاچا مهم می‌نماید. جرقه نسل‌کشی‌های ۱۹۹۴ رواندا، در ۶ آوریل ۱۹۹۴ با ساقط شدن هواپیمای حامل رییس جمهور در بازگشت از آروشای تانزانیا که برای مذاکره در خصوص

¹ The Listener, 14 December 1939, 1153.

² Stefano Trevisan. "The Gacaca Courts – where Western human rights faced the Rwandan Informal Justice System", *International Law, Human Rights and Informal Justice*, Tilburg University, (2011), p.1.

یک توافق با جنبش رواندایی تحت سلطه توتسی‌ها رفته بود، زده شد.^۳ هوتوهای تندرو که گروه نژادی اکثریت را تشکیل داده بودند قدرت را در دست گرفتند و اقدام به تحریک مردم برای کشتار توتسیها نمودند. به طوری که تخمین زده می‌شد از آوریل تا جولای ۱۹۹۴ در طول ۱۰۰ روز، بیش از یک میلیون توتسی کشته شدند.^۴

خسوتنها بعد از نسل‌کشی ۱۹۹۴ همچنان تداوم داشت و غیرنظامیان زیادی کشته شدند.^۵ راه‌حل مسأله، عدالت انتقالی بود.^۶ با روی کار آمدن دولت جدید در رواندا، کارگزاران عدالت کیفری در رواندا، نخست برای انجام یک محاکمه عادی تلاش کردند. اما، این تلاش پس از زندانی‌شدن و بازداشت گسترده عاملان نسل‌کشی، و برگزاری محاکمات کیفری (از جمله تشکیل دادگاه بین‌المللی کیفری برای رواندا^۷ از سوی شورای امنیت) به سرعت رها شد. به طوری که جمعیت متهمان به نسل‌کشی این کشور که در بازداشت به سر می‌بردند، در پایان سال ۱۹۹۹ نزدیک به ۱۲۰ هزار نفر تخمین زده می‌شد. با ازدیاد جمعیت زندانیان کشور، دستگاه قضایی داخلی رواندا توان رسیدگی به جرایم تمامی متهمان را نداشت. به گونه‌ای که تا اواخر سال ۱۹۹۹ تنها پنج هزار نفر از متهمین تحت محاکمه قرار گرفتند. از این رو اقدام به آزادسازی مشروط برخی زندانیها نمود.^۸

دولت در حال نزاع، نیازمند یک راه‌حل کارآمدتر از نظام عدالت کیفری بود.^۹ در تلاش برای حل این مشکلات و در پی ناکامی دستگاه عدالت کیفری، دولت به سمت سازوکار سنتی اجرای عدالت، یعنی محاکم گاجاچا (Gacaca)، رفت. گاجاچا قبل از ورود استعمار تنها مرجع حل اختلافات در این کشور بودند.^{۱۰} در طول دوره استعمار، یک نظام حقوقی به سبک غربی در رواندا معرفی شده بود اما سنت گاجاچا عملکرد خود را به عنوان مکانیسم سنتی حل و فصل اختلافات در سطح محلی حفظ کرد، هر چند که آن را تضعیف کرده بود. بعد از استقلال رواندا، به تدریج امور سنتی و غیررسمی جذب و ادغام می‌شدند به این ترتیب نهاد گاجاچا به یک نهاد نیمه‌اداری یا نیمه سنتی بدل گشت. قبل از اینکه اختلافات به سیستم قضایی رسمی در سطح استانی^{۱۱} ارجاع شود. بیشتر قضایا در پایین‌ترین واحد جامعه یعنی گاجاچا حل و فصل می‌شدند. گاجاچا نمایانگر عدالت همجواری و مکانیسم دستی برای از بین بردن فشار بر سیستم عدالت دادگاه‌های عادی بود.^{۱۲}

³ Paul Magnarella, *Justice in Africa: Rwanda's Genocide, Its Courts, and the UN Criminal Tribunal* (Brookfield: Ashgate, 2000), p.15.

⁴ Lars Waldorf. "Mass Justice for Mass Atrocity: Rethinking Local Justice as Transitional Justice," *Temple Law Review*, Vol.79, No.1, (2006), p.29.

⁵ Bert Ingelaere, "The Gacaca courts in Rwanda", In *Traditional Justice and Reconciliation after Violent Conflict: Learning from African Experiences* ed. Huys, Luc & Salter, Mark, (Stockholm: International Institute for Democracy and Electoral Assistance, 2008), p.31.

⁶ Megan Westberg., "Rwanda's Use of Transitional Justice After Genocide: The Gacaca Courts and the ICTR", *Kansas Law Review*, Vol. 59, (2010), p.332

⁷ International Criminal Tribunal for Rwanda (ICTR)

⁸ Waldorf, *Op. Cit.*, p.46.

⁹ Towards a comprehensive and holistic transitional justice policy for Uganda, *Avocats Sans Frontières*, 2013, p.61.

^{۱۰} قبل از ایجاد دادگاه‌های بومی توسط استعمارگران در سال ۱۹۴۳، مردمان رواندا اطراف درختان بزرگی که چونان چتر سایه می‌افکنند برای شستن لباس‌هایشان به صورت خانوادگی جمع می‌شدند. بنابر پیشینه‌های تاریخی caçaca به کلمه چمن یا چمنزار بر می‌گردد.

^{۱۱} court de canton

^{۱۲} Filip Reyntjens, "Gacaca, or justice on the grass in Rwanda", *Politique Africaine*, No.40, (1990), p.36.

۲- گاجاچای جدید^{۱۳}؛ سیستم بینابین عدالت سنتی و دولتی

مقتضیات خاص جامعه انتقالی رواندا، منجر به اعمال تغییراتی در سازوکارهای سنتی گاجاچا شد. در سال ۱۹۹۹ بعد از یک دور مذاکره و گفتگو، رییس جمهور رواندا کمیسیونی به منظور مدرنیزه نمودن گاجاچا برای رسیدگی به وضعیت متهمان دربند نسل‌کشی، ایجاد نمود. قانون گاجاچای جدید توسط قانون ارگانیک ۲۵ ژانویه ۲۰۰۱ پا به عرصه متون قانونی رواندا گذاشت و در سال ۲۰۰۴ به طور اساسی اصلاح شد.^{۱۴} دادگاه‌های جدید گاجاچا در مفهوم واقعی ابداع سنت به شمار می‌رود. مدرنیزه نمودن گاجاچای قدیم باعث شد که این محاکم هم در ساختار و هم در عمل به طور فزاینده‌ای به رویکرد کیفری غیررسمی گرایش یابند. محاکم گاجاچا جهت برخورد با موضوعات جدید از جمله سوءاستفاده‌های در مقیاس وسیع و جرایم مربوط به نسل‌کشی بسیاری از مشخصات سنتی خود را از دست دادند^{۱۵} زیرا این سازوکارها از ابتدا به منظور بررسی چنین جرایمی شکل نگرفته‌اند. گاجاچای قدیم اغلب برای جرایم کوچک استفاده و تمرکز اصلی آن بر جرایم مربوط به مالکیت بود. اما گاجاچای جدید به منظور تعقیب و مجازات عاملان نسل‌کشی و جنایات علیه بشریت ارتكابی در اول اکتبر ۱۹۹۰ تا ۳۱ دسامبر ۱۹۹۴، تخریب خانه‌ها، سرقت گاوها، وسایل خانگی و ... ایجاد شده بود.^{۱۶}

گاجاچای جدید به طور قابل ملاحظه‌ای و از لحاظ رویه از همتایان سنتی‌شان متفاوت بودند، چرا که گاجاچای جدید به جرایم شدید و تحت نظارت قضات انتخاب شده از جمله زنان رسیدگی می‌نمایند.^{۱۷} در نسخه قدیمی گاجاچا، ایده این بود که مردم را به هم نزدیک، و درصدد احیای روابط، اعاده سازش، وحدت اجتماعی و جلوگیری از تداوم تنفر بین خانواده‌ها بود و اقدامات صورت گرفته عمدتاً نمادین و در ماهیت ترمیمی بود که از طریق پرداخت غرامت توسط اعضای قبیله فرد متخلف به قبیله زیان‌دیده صورت می‌پذیرفت، در حالی که هدف دادگاه‌های کنونی کشف حقیقت، تسریع در روند رسیدگی به اتهامات عاملان نسل‌کشی، احراز مسئولیت و برچیدن فرهنگ بی‌کیفری، تحقق سازش و آشتی بین اقوام رواندایی و استفاده از ظرفیت‌های جامعه رواندا برای تحقق عدالت مبتنی بر فرهنگ جامعه بود.^{۱۸} سازش و عدالت ترمیمی گرچه در زمره اهداف گاجاچای جدید ذکر شده، اما در عملکرد این محاکم نقش برجسته‌ای نداشتند.

۳- تشکیلات و صلاحیت‌های دادگاه‌های گاجاچا

قانون ارگانیک جدید سال ۲۰۰۴ ساختار چند صلاحیتی را که طبق قانون ارگانیک سال ۲۰۰۱ پیش بینی شده بود، ساده‌تر کرد. همه محاکم گاجاچا مطابق قانون فوق، شامل سه رکن بودند: مجمع عمومی، کرسی قضاوت یا هیأت منصفه (متشکل از ۱۹ قاضی که بعداً به ۱۴ و ۹ و در نهایت ۵ قاضی تقلیل یافتند)، و کمیته هماهنگی. وظیفه اصلی مجمع عمومی انتخاب قضاتی است که کرسی قضاوت را تشکیل می‌دهند. سپس کرسی قضاوت کمیته هماهنگی که متشکل از دو معاون و دو

¹³ Inkiko Gacaca

¹⁴ Mark Drumbl, *Atrocity, Punishment, and International Law*, (New York: Cambridge University Press., 2007), p.86.

¹⁵ Chandra Lekha Sriram et al., eds., *Transitional Justice and Peace building on the Ground: Victims and Ex-Combatants*, (New York: Routledge, 2013), p.166.

¹⁶ Ingelaere, Op. cit., p.36.

¹⁷ Waldorf, Op. cit., p.52.

¹⁸ Organic Law No. 40/2001 of 26101/2001, 2.

منشی که دارای قدرتهای اداری اساسی‌اند از جمله هماهنگی جلسات، ثبت شکایتها، شهادت و شواهد را پیشنهاد می‌نمایند.^{۱۹}

گاچاچا از ۴ سطح (محلّی (سلول)، بخش (ناحیه)، منطقه و استان) به موجب اصلاحات سال ۲۰۰۴ به ترتیب اولویت صلاحیتی به سه سطح (محلّی^{۲۰}، بخش^{۲۱} و دادگاه تجدیدنظر)، کاهش پیدا کرده است. محاکم منطقه حذف و رسیدگی به جرایم این محاکم به محاکم بخش واگذار شد. گاچاچا دارای ۹۰۱۳ سلول و ۱۵۴۵ بخش بودند. سلول پایین‌ترین سطح اجرایی گاچاچا به شمار می‌روند که تعدادی از آنها یک بخش را تشکیل می‌دهند. در سطح محاکم محلّی و بخش، مجمع عمومی متشکل از همه ساکنان بالغ در جوامع مربوطه که از بین خودشان افراد امین را به عنوان قاضی انتخاب می‌نمایند.^{۲۲} همچنین مجمع عمومی نقش نهاد دادستان و نهاد تعقیب را بازی می‌کند؛ جرایم، بزده‌دیده و مرتکبین را شناسایی و به مستند قضاوت راهنمایی‌هایی ارائه می‌نماید.

در کل، ۱۲۱۰۳ دادگاه گاچاچا در رواندا ایجاد شد که ۱۶۹۴۴۲ قاضی یا رهبر محلّی^{۲۳} مورد احترام آنها را اداره می‌کردند. وکیل مدافع در این دادگاه‌ها وجود ندارد، و برای اجتناب از محاکمات آمیخته با دشمنی، هیچ تیم دادستانی نیز وجود نداشت. در عوض، قضات وظایف نهاد تعقیب و دادستانی را انجام می‌دادند.^{۲۴}

کلیه سیستم گاچاچا تحت کنترل سرویس ملی حدود اختیارات و صلاحیت گاچاچا قرار دارد. این ارگان دولتی، بر دادگاه‌ها نظارت و هماهنگی می‌نماید.^{۲۵} گاچاچا از صلاحیت‌های مشابه دادگاه‌های کلاسیک برخوردار است. طبقه‌بندی جرایم به موجب قانون ایجاد گاچاچا، با توجه شدت جرم و مجازات به چهار طبقه تقسیم می‌شوند. طبقه اول: جرایم طراحان نسل-کشی یا جرایم علیه بشریت قاتلان بدنام و آنهایی که مرتکب شکنجه‌های جنسی شده‌اند؛^{۲۶} طبقه دوم: قتل عمدی یا قتل برنامه ریزی شده؛ طبقه سوم: قتل غیرعمد یا ایراد ضرب و جرح شدید؛ طبقه چهارم: جرایم مالی،^{۲۷} در اصلاحیه سال ۲۰۰۴ طبقات دوم و سوم در یکدیگر ادغام شدند.^{۲۸} با این حال، قانون ارگانیک جدید شماره ۲۰۰۷/۱۰ طبقه‌بندی متهمان را تغییر داد. مطابق این قانون، قاتلان شناخته شده، شکنجه‌گران، و کسانی که اعمال غیرانسانی بر اجساد مردگان صورت داده بودند، و پیش از این در محاکم عادی محاکمه می‌شدند ولی تاکنون به محاکم عادی منتقل نشده بودند به دلیل سرعت پایین محاکم ملی به طبقه دوم منتقل شدند.^{۲۹} به استثنای جرایم طبقه اول، که در صلاحیت محاکم گاچاچا قرار نداشت.

¹⁹ Trevisan, Op. cit., p.8.

²⁰ akagari

²¹ umurenge

²² Organic Law No. 16/2004 of 19/6/2004, art.13.

²³ inyangamugayo

²⁴ D. Mukantaganzwa, *Interview with the executive secretary of National Gacaca Service Domithile Mukantaganzwa on the eve of closing of Gacaca courts.*

²⁵ 2004 Organic Law, art. 50.

²⁶ "Rwanda's Organic Law No. 08/96.

²⁷ Organic Law No.08/96 of 30/8/1996, Art.2.

²⁸ Organic Law No.16/2004 of 19/6/2004, Art. 51

²⁹ Avocats Sans Frontières, *Monitoring of the Gacaca Courts*, Kigali, Rwanda: ASF, 2007, p.11.

رسیدگی به جرایم طبقه دوم با توجه به حذف شدن محاکم منطقه و طبقه سوم در صلاحیت محاکم ناحیه و جرایم طبقه چهارم در صلاحیت محاکم محله قرار گرفتند.^{۳۰}

در تمام جرایم فوق الذکر تحقیقات مقدماتی، جمع‌آوری ادله و طبقه‌بندی قضایا تحت اختیار محاکم محله بود.^{۳۱} زمانی که حقایق و شواهد کافی پیدا می‌شد مجمع عمومی گاچا طبقه و دسته مرتکبین را تعیین می‌کرد و آنها را به محاکم عادی انتقال می‌داد. بدین وسیله جامعه در شناسایی یا تبرئه متهمان به جرایم ارتكابی نقش داشت و در واقع این محاکم محله بودند که نوع اتهام وارده و محکمه صالح به رسیدگی را مشخص می‌کردند.^{۳۲}

۴- آیین دادرسی و عملکرد دادگاه‌های گاچا

روند رسیدگی در محاکم گاچا همانند محاکم قضایی بود، با این تفاوت که در اینجا مقام تعقیب معمولاً همان شخص قربانی بود و دادستانی وجود نداشت. با رسیدگی و بررسی اطلاعات جمع‌آوری شده و استماع اظهارات طرفین، قضات حکم را در صحن علنی قرائت می‌کردند. برای محکوم امکان استیناف از حکم وجود داشت و در صورت استیناف، پرونده‌ی وی مجدداً توسط محاکم تجدیدنظر گاچا واقع در محاکم ناحیه مورد بررسی قرار می‌گرفت. در صورت اثبات اتهام همانند محاکم کیفری امکان صدور حکم به مجازات حبس وجود داشت.^{۳۳} مجرمین طبقه سوم به زندان محکوم نمی‌شدند در عوض به پرداخت خسارت محکوم می‌شدند. البته از اواسط سال ۲۰۰۷ با افزایش تعداد زندانیان، برای اولین بار محکومین به جای زندان به اردوگاه‌های کار فرستاده شدند.^{۳۴} خدمات اجتماعی، جریمه‌ها و سایر روشهای جبران خسارت که مبنای ترمیمی داشت نیز مورد حکم واقع می‌شدند. تغییرات مذکور حاکی از تقسیم‌بندی صلاحیتی بین محاکم گاچا در رسیدگی به جرایم ارتكابی است که به نوعی تداعی کننده تقسیم بندی صلاحیتی محاکم کیفری حسب شدت جرایم ارتكابی است. مجازات بر اساس طبقه‌بندی جرایم، شناسایی گناه و عامل جرم و در نهایت زمان اعتراف (در صورت وجود آن) صورت می‌گرفت. شدیدترین مجازات برای مجرمان طبقه اول که قبل یا در طول محاکمه اعتراف نکرده بودند حبس ابد بود. مدت محکومیت بسته به شدت جرم و زمان اعتراف (کسانی که قبل از محاکمه اعتراف می‌کردند کمترین میزان محکومیت را سپری می‌کردند) کاهش پیدا می‌کرد. نهاد اعتراف نقش اساسی در سیستم گاچا بازی می‌کند زیرا اهداف ترمیمی را تسهیل می‌نماید که کل سیستم عدالت فراملیتی بر مبنای آن تشکیل شده است.^{۳۵} مرتکبین جرایم طبقه دوم که اعتراف نمی‌کردند به ۲۵ سال زندان محکوم می‌شدند. اما معترفین نصف مجازات آنها به خدمات اجتماعی تغییر می‌کرد. مرتکبین

³⁰ Organic Law No. 40/2000 OF 26101/2000, Art.48.

³¹ Chiseche Mibenge, "Enforcing International Humanitarian Law at the National Level: The Gacaca Jurisdictions of Rwanda," *YIHL*, Vol.7, (2007), pp.410-424.

³² Drumbl, *Op.cit.*, 87.

³³ SNJG Monthly Progress Reports, *Activities during the Gacaca trials in Rwanda, July 2006–February 2007*.

³⁴ Organic Law No. 40/2000 OF 26101/2000, *op. cit.* Art. 69, 70.

³⁵ International Institute for Democracy and Electoral Assistance, "Traditional Justice and Reconciliation after Violent Conflict: Learning from African Experiences", 2008, p. 39.

جرایم طبقه سوم از الگوی مشابه قبلی به ۵ سال زندان محکوم می‌شدند که می‌توانست به یک سال خدمات اجتماعی کاهش پیدا کند. مرتکبین طبقه چهارم به زندان محکوم نمی‌شدند بلکه ملزم به پرداخت خسارت به قربانیان می‌شدند.^{۳۶} روش‌های خاص رسیدگی برای افرادی که در زمان ارتکاب جرم زیر سن بلوغ قانونی ۱۴ تا ۱۸ سال قرار داشتند در صورتی که در طبقه اول قرار می‌گرفتند به حداکثر ۲۰ سال زندان محکوم می‌شدند. اما اشخاص کمتر از ۱۴ سال در زمان ارتکاب جرم تحت تعقیب قرار نمی‌گرفتند اما در عوض به اردوگاه‌های آموزشی منتقل می‌شدند.^{۳۷} محاکمات در کلاس‌های درس، اتاق‌های کنفرانس و یا در فضای باز در صورتی که محل‌های سرپوشیده در دسترس نبود تشکیل می‌شد.^{۳۸} به استثنا جرایم مربوط به تجاوز، دادرسی‌های گاجاچا علنی و عمومی برگزار می‌شد.^{۳۹} قانون سال ۲۰۰۴ اعترافات و اتهامات عمومی برای جرایم و خشونت‌های جنسی را منع نمود در نتیجه قربانیان می‌توانستند اتهامات شخصی خود را به قاضی یا دادستان انتخابی خود به صورت خصوصی بیان نمایند.^{۴۰} / ۴۱.

۵- دستاوردها و امتیازات سیستم گاجاچا به عنوان یک واکنش قضایی جایگزین

سازوکارهای سنتی گاجاچا برای مردم رواندا فواید فرهنگی، اقتصادی، جامعه‌شناختی و روانی بی‌شماری به همراه داشته است. این مکانیسم‌ها، تا حد زیادی، برای بذل توجه به ضرورت پاسخگویی، مسئولیت‌پذیری، تحقق عدالت، تقویت سازش و مصالحه در جامعه در حال گذار رواندا طراحی شده‌اند. با نگاهی به عملکرد گاجاچا، می‌توان به بررسی کارایی آنها یا به عبارت بهتر میزان موفقیت آنها در تحقق اهداف مدنظر پرداخت.

۱-۵- مزایای اقتصادی

سازوکارهای سنتی گاجاچا بسیار ارزان و قابل دسترس هستند، هر کسی می‌تواند عدالت را بدون توجه به طبقه اجتماعی یا وضعیت مالی دنبال کند. این مزایا به سادگی با نگاه اجمالی و مقایسه آن با دادگاه‌های داخلی کیفری کشورها نمایان می‌شوند. محاکمات گاجاچا در محله‌ها و جوامعی که جرایم اتفاق افتاده بود برگزار می‌شد، به معنای واقعی کلمه بر روی چمن برگزار می‌شد.^{۴۲} در مقایسه با هزینه‌های محاکم رسمی، محاکمات سنتی گاجاچا این امکان را فراهم می‌نمود تا هزینه‌های

³⁶ Gacaca Law, art. 69(a) (b)(c), 70, 71.

³⁷ Ibid, 337.

³⁸ Hollie Nyseth Brehm et al. "Genocide, Justice, and Rwanda's Gacaca Courts", *Journal of Contemporary Criminal Justice*, Vol. 30(3), (2014) p.337.

³⁹ Ibid, arts. 38, 21.

⁴⁰ Lars Waldorf, *Transitional Justice and DDR: The Case of Rwanda*, International Center for Transitional Justice June (2009), p.21.

⁴¹ پایان سال ۲۰۰۷، موعد مقرر بلندپروازانه اتمام کار این محاکم بود، با توجه به عدم اتمام کار برخی محاکم این موعد تا ۱۸ ژوئن ۲۰۱۲ به تعویق افتاد. تا آوریل ۲۰۰۹ محاکم گاجاچا به ۱/۱ میلیون پرونده رسیدگی کردند که اکثر آنها قبل از پایان کار رسمی محاکم فوق صورت گرفته بود.

Megan, Op. cit., 337.

⁴² Ingelaere, Op. cit., p.33.

بسیاری بالایی که بر دولت متحمل می‌شد را ذخیره و صرفه‌جویی نماید. علاوه بر این بر خلاف محاکم کیفری داخلی، قضات دستمزد بسیار ناچیزی دریافت و یا هیچ دستمزدی به آنها پرداخت نمی‌شد.^{۴۳}

علیرغم نکات منفی عدم استفاده از وکیل مدافع، اگر برای هر متهم چنین امکانی فراهم می‌شد، بیش از ۱ میلیون وکیل مورد نیاز بود و با توجه به اینکه هیچ کسی وجود نداشت که آموزش‌های حقوقی دیده باشد تا از حقوق متهم دفاع نماید، این نهاد بایستی با صرف هزینه‌های گزاف از خارج وارد می‌شد.

گاچاچا در طول دوره فعالیت بیش از ۱۹۵۸۶۳۴ قضیه حل و فصل نموده است. این در حالی است که نظام قضایی داخلی بین سالهای ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۴ تنها به ۱۰۰۲۶ پرونده رسیدگی^{۴۴} و دیوان کیفری بین‌المللی رواندا با هزینه حدود ۱/۷ میلیارد دلار تنها به ۶۰ پرونده رسیدگی کرده بود. این امر اهمیت محاکم گاچاچا را بیشتر نشان می‌دهد.^{۴۵}

دومین مزیت اقتصادی، به موقع بودن است. اگر عدالت به شیوه سال‌های اول پس از نسل‌کشی صورت یابد، بیش از یک قرن طول می‌کشد تا محاکمات به پایان برسد. فرایند کند همراه با هزینه‌های بالای محاکمات رسمی، به طور حتم، اقتصاد رواندا را از بین می‌برد.^{۴۶} پاکسازی سیستم زندان نیز ارتباط بسیار نزدیکی با به موقع بودن و تسریع در رسیدگی به جنایات بعد از گذار دارد. هر شخص در زندان هزینه‌های زیادی بر دولت متحمل می‌نماید به ویژه در کشور کوچکی به مانند رواندا، بیش از ۱۰۰ هزار نفر زندانی نیاز به تهیه منابع بشماری دارد.

۲-۵- مزایای جامعه شناختی

جامعه در سطح خرد و کلان از سیستم گاچاچا بهره‌مند می‌شود. آنا آگیون در مستند گاچاچای خود تحت عنوان «زندگی باهم در رواندا»، شخصیت کسانی که در طول نسل‌کشی متهم به اعمال جنایتکارانه شده بودند، را بررسی نمود. این مستند نشان می‌دهد که آنها به دستور و پیروی از قدرت بالای حکومت، مجبور به اعمال خشونت آمیز شده‌اند. همچنین نشان می‌دهد که این افراد هنجارگیز اجتماعی نیستند بلکه در واقع آنها خواهان پذیرش و ادغام در جامعه بودند. این امر باعث می‌شود به این نتیجه برسیم محیط اجتماعی باعث نسل‌کشی شده است.^{۴۷}

از مزایای اجتماعی گاچاچا کمک به ادغام مجدد شهروندان به عنوان بخشی از ایجاد رواندای متحد است. قانون اساسی رواندا قوم توتسی و هوتو را به رسمیت نمی‌شناسد و این برچسب‌ها را به نفع رواندای واحد از بین برده است.^{۴۸} استفاده از گاچاچای جدید ریشه در فرهنگ و جامعه سنتی رواندا دارد و توانایی بازگرداندن تکه‌ای از فرهنگی که تقریباً در فرایند

⁴³ See Sheena Kaliisa, Kigali Elect Judges for New Justice System, INTERNEWS (Arusha), Oct. 3, 2001.

⁴⁴ Megan, Op. cit., p.341.

⁴⁵ Hassan B. Jallow, Chief Prosecutor UNICTR & Under Secretary General United Nations, Commemoration of 1994 Rwandan Genocide, 2014

⁴⁶ Ibid.

⁴⁷ Gacaca Living Together again in Rwanda? (Dominant 7/Gacaca Productions 2002)

⁴⁸ Joanna Quinn (ed), *Reconciliations: Transitional Justice in Post Conflict Societies*, (Quebec: McGill University Press, 2009), p.88.

استعماری از بین رفته بود، را خواهد داشت. علاوه بر این، این فرایند در تربیت فرهنگ نسل آینده نیز موثر است چرا که به آنها درسهای اتحاد و بخشندگی را می‌آموزد.

به عنوان بخشی از ایجاد رواندای یکپارچه، گاچاچا به شهروندان عدالت مشارکتی اعطا می‌نمود و جامعه در فرایند دادرسی شرکت می‌کردند. اعضای فردی جامعه، از جمله قربانیان در دادگاه‌های گاچاچا شرکت می‌کردند تا ادعاها و اتهامات خود را بیان دارند. قضات عضوی از جامعه محلی بودند.^{۴۹} این شکل باعث ایجاد فضا و جامعه‌ای شده بود که اعضای آن به دلیل خطای دیگران به مانند گاچاچای قدیم مسئول شناخته می‌شدند. این امر باعث می‌شد که جامعه به راحتی نتیجه را بپذیرد. انتخاب احکامی غیر از حبس این امکان را فراهم می‌نمود بودجه اختصاص یافته برای زندان به توسعه اهداف اجتماعی بکار رود و مجرمان را قادر می‌ساخت تا به تولید اقتصادی ادامه و به قربانیان کمک کنند و از انزوای اجتماعی و اقتصادی خانواده جلوگیری می‌نمود.^{۵۰}

۳-۵- مزایای روانشناختی

اسناد و قوانین کیفری، نظریه‌های کیفری متعددی از جمله بازدارندگی، مجازات، توانبخشی، ترمیم و اعاده به وضع سابق را به رسمیت شناخته‌اند. همه این موارد بر افراد جنایتکار و بر دیگر اعضای جامعه تأثیر می‌گذارد، و گاچاچا همه آنها را پذیرفته و به همراه داشته است. از لحاظ روانشناختی، یکی از اثرات بازدارنده مهم در خصوص مرتکبین جنایات این است که آنها به کل جامعه شناخته می‌شوند و بایستی در مقابل کل جامعه بایستند و یا اعتراف کنند.

در فرهنگ گاچاچا، خانواده همچنان مهم است و جامعه امتدادی از خانواده است. با استفاده از گاچاچا اشخاص از ارتکاب جرایم دلسرد و مأیوس می‌شوند زیرا آنها ممکن است در مقابل خانواده‌هایشان مجبور به پاسخ به اتهامات شوند. در چنین بافت فرهنگی، جنبه بازدارنده نیز وجود دارد. مردم نمی‌خواهند با بدترین اعمالی که مرتکب شده‌اند، بویژه قربانیانشان مواجه شوند. روبرو شدن با یک قربانی بدون شک یک شکلی از مجازات و تنبیه است.^{۵۱}

توانبخشی زمانی صورت می‌گیرد که زندانیان به جوامع خود باز می‌گردند تا تلاش کنند زندگی خود را بسازند، در میان افرادی که آنها را متهم کرده بودند. جامعه به عنوان یک کل مسئول توانبخشی خواهد بود. اعاده به وضع سابق به گونه‌ای مشابه صورت می‌گیرد، زمانی که مجرم باز می‌گردد، او مجبور است آسیب‌های وارد به قربانیان را جبران نماید. کارکردن در زمین‌های آنها یکی از اشکال اعاده به وضع سابق بود.^{۵۲}

⁴⁹ Ibid, p.41.

⁵⁰ Penal Reform International, *Access to Justice in Sub-Saharan Africa: The Role of Traditional and Informal Justice Systems* (London: PRI, 2002)

⁵¹ Megan, Op. cit., p.350.

⁵² Ingelaere, Op. cit., p.40.

۴-۵- تحقق صلح و سازش

صلح و سازش، نه تنها به عنوان یکی از اهداف کلیدی فرایندهای عدالت انتقالی رواندا بویژه گاجاچا اعلام شد بلکه کارآیی سایر اقدامات صورت گرفته در جامعه پسامخاصمه با آن سنجیده می‌شود.^{۵۳} هدف سازش بیشتر بازسازی روابط مبتنی بر اصول حاکم بر حقوق بشر است که اجازه دهد افراد در کنار یکدیگر در صلح و امنیت زندگی کنند و روابط بهبود یابد.^{۵۴} با بازگشت روابط صلح آمیز به جامعه، همزیستی مسالمت آمیز و ادغام مجدد عاملان جرایم در جامعه فراهم گردید.^{۵۵} زندانیانی که از اردوگاه‌ها به دادگاه‌های گاجاچا فرستاده شدند، کسانی بودند که سال‌ها حبس و کار در اردوگاه‌های بازسازی را پشت سر گذاشته بودند و اتهاماتشان در رده سنگین‌ترین جرایم، یعنی سازمان‌دادن و فرماندهی کشتار قرار نمی‌گرفت، در نتیجه سبک کردن بار زندان‌ها و دادگاه‌ها و پیشبرد فرایند آشتی در جامعه از مهمترین کارکردهای محاکم گاجاچا بوده است.

در حالیکه محاکم کیفری و کمیسیون‌های حقیقت‌یاب در شهرها و اماکن خاصی به دور از جمعیت درگیر جرایم ارتكابی، قرار دارند.^{۵۶} اما جلسات گاجاچا در تپه‌های رواندا به قصد جلب توجه بخش عمده‌ای از مردم برگزار می‌شد. مقر دیوان بین‌المللی کیفری برای رواندا در آروشا (تانزانیا) بود که بایستی متهمین بازداشت شده به آنجا منتقل می‌شدند. این فاصله مکانی در بسیاری موارد می‌تواند مشروعیت این محاکم در بررسی جرایم ارتكابی در یک کشور را از نظر مردم آن کشور زیر سؤال ببرد.^{۵۷} این در حالی است که در فرهنگ سنتی رواندا، ساختار خانواده و جامعه بسیار مهم می‌باشد. در داخل این فرهنگ، فرد متهم سعی می‌کند آسیب وارده به قربانیان و همچنین خانواده او را جبران کند و دیوان کیفری بین‌المللی برای رواندا چنین امکانی را از آنها می‌گیرد.^{۵۸} از این رو، مردم و حتی دولت رواندا از اینگونه محاکم برای رواندا حمایت نکردند.

۵-۵- مسئولیت پذیری و برچیدن فرهنگ بی‌کیفری

یکی از راهکارهای اصلی عدالت انتقالی احراز مسئولیت عاملان جرایم ارتكابی از طریق تعقیب قضایی و مجازات است. سازوکارهای سنتی اجرای عدالت البته نه همانند محاکم کیفری، بلکه به گونه‌ای دیگر به دنبال احراز مسئولیت عاملان جرایم ارتكابی و ابعادی از مسئولیت و تصدیق آن هستند. در این سازوکارها تأیید مسئولیت لزوماً مجازات شخصی را به دنبال نخواهد داشت، بلکه در این نوع سازوکارها نتیجه‌ی تأیید مسئولیت، جبران خسارت و برقراری سازش بین طرفین درگیر است.

⁵³ Rachel Kerr and Eirin Mobekk, *Peace and Justice: Seeking Accountability after War*, (UK: OUP, 2007), P.6.

⁵⁴ Tepperman, Jonathan, "Truth and Consequences", *Foreign Affairs*, 2002, p.7.

⁵⁵ Anja Ebnother and Philipp Fluri, *After Intervention: Public Security Management in Post-Conflict Societies.*, (Vienna and Geneva: PfP Consortium Working Group"Security Sector Reform, 2005), p.263.

⁵⁶ Ibid, p. 287.

⁵⁷ Huyse, Luc, Op. cit, p.16.

⁵⁸ Megan, Op. cit., p.362.

یکی از اهداف اصلی دولت رواندا با تصویب قانون ارگانیک سال ۱۹۹۶، تعقیب قانونی، مجازات و پایان دادن به مصونیت عاملان جرایم نسل‌کشی و جرایم علیه بشریت بود که برای این هدف دادگاه‌های گاجاچا را ایجاد نمود.^{۵۹} بنابراین گرچه اعاده همبستگی اجتماعی اولین هدف گاجاچا بود، اما بر مسئولیت کیفری عاملان جرایم نیز تأکید داشت که این امر به دلیل تأثیر حقوق بین‌الملل کیفری در تغییر ساختار آن است. درحالی‌که گاجاچای سنتی از طریق تأیید و پذیرش مسئولیت عاملان جرایم و نه اعمال مسئولیت کیفری عمل می‌کرد.^{۶۰}

گاجاچا روند رسیدگی به قضایای مربوط به نسل‌کشی را تسریع نمود، این امر فرهنگ مصونیت را با انگشت گذاشتن روی عاملان قتل و کشتار، متوقف می‌کند. در سازوکارهای سنتی مجازات بیشتر از آنکه جنبه تنبیهی داشته باشد، جنبه جبرانی دارد. به همین دلیل مجازات و جبران خسارت در این سازوکارها اغلب جنبه جمعی دارد. سازوکارهای سنتی گاجاچا شکل جدیدی از پاسخگویی را نشان داد که مدل‌های غالب محاکم بین‌المللی و همچنین کمیسیون‌های حقیقت‌یاب را به چالش کشاند. گاجاچا ترکیبی از عدالت کیفری و ترمیمی را ارائه داد و مسئولیت جمعی را به جای مسئولیت فردی ارتقا داد. ایجاد جامعه‌ای استوار بر ارزش‌ها و کرامت انسانی مستلزم تعمیق و ترویج فرهنگ مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی می‌باشد، در حالی که دامن زدن به فرهنگ معافیت و مصونیت و عدم پاسخگویی به جنایات فاجعه بار گذشته و حال نه تنها ما را در مسیر صلح پایدار و امنیت رهنمون نخواهد کرد، بلکه بیم آن می‌رود که شعله‌های واقعیت تلخ جنگ را چه در سطح داخلی و چه در سطح بین‌المللی افروخته‌تر سازد.

۶-۵- تحقق عدالت اصلاحی؛ جبران خسارت وارده به قربانیان

حقوق داخلی رواندا با تشکیل دادگاه‌های گاجاچا امید قربانیان و بازماندگان برای دریافت خسارت و جبران درد و رنج‌های آنها را زنده و تا حدودی به صورت نمادین به حقوق بزه‌دیدگان اهمیت داده و قواعدی را برای ترمیم خسارت وضع و به اجرا گذاردند.^{۶۱} در رواندا، گاجاچا دو شکل از جبران خسارت را مقرر می‌دارد: شکل اول صندوقی است که مطابق قانون مجازات ژنوسید ۱۹۹۶ و قانون ایجاد گاجاچا ۲۰۰۱ برای جبران خسارت قربانیان تعبیه شده بود، اما چنین صندوقی ایجاد نشد. در سال ۱۹۹۸ دولت صندوق کمکی را ایجاد و در سال ۲۰۰۸ از نو سازماندهی نمود و ۶ درصد از درآمدهای داخلی سالانه دولت برای توسعه این صندوق اختصاص داده شد تا برای بازماندگان نیازمند مراقبت‌های پزشکی، هزینه‌های تحصیلی و ... تأمین نماید.^{۶۲} شکل دوم جبران خسارت جمعی است که مستلزم انجام خدمات اجتماعی اجباری به جای حکم به حبس‌های طولانی مدت است.^{۶۳} بسیاری از کسانی که در سطح محلی دادگاه‌های گاجاچا محکوم شده بودند بخشی بزرگی از

⁵⁹ Cara J. Ferstman, "Domestic Trials for Genocide and Crimes Against Humanity: The Example of Rwanda", *AJICL*, Vol.9, (1997), p.863.

⁶⁰ Drumbl, Op. cit., pp.92,94,

⁶¹ محاکم گاجاچا همچنین از آن جهت که قربانیان فرصت حضور و ادای شهادت و بازگویی جرایم ارتكابی علیه خود را داشتند و می‌توانستند شاهد مجازات عاملان جرایم ارتكابی باشند، می‌توانست از جهت روانی آثار مثبتی را برای بازماندگان بر جای بگذارد.

⁶² Law No. 02/98 of 22/01/1998; Law No. 69/2008 of 30/12/2008, arts. 4, 26.

⁶³ Huyse, Luc, Op. cit., 13.

محکومیت خود را برای خدمات اجتماعی از جمله ایجاد و تعمیر جاده‌ها، پل‌ها و مدارس صرف می‌کردند.^{۶۴} بر مبنای تغییر سیاستهای دولت در سال ۲۰۰۵ زندانیان در کمپین‌های بزرگ کار ۶ روز در هفته برای دولت کار می‌کردند. در ابتدا دولت پیشنهاد استفاده از خدمات اجتماعی برای جبران خسارت قربانیان را رد کرد اما از سال ۲۰۰۶ برخی از کارهای اجباری برای تأمین جبران خسارت قربانیان ژنوسید بویژه ساختن مسکن اختصاص یافت.^{۶۵}

پس از لغو وعده جبران خسارت، قانون ۲۰۰۴ گاچاچا از طریق اعتراف عاملان ژنوسید، عذرخواهی عمومی و آشکار نمودن محل قربانیان، به دنبال جبران‌های سمبولیک و نمادین بود^{۶۶} در نبود صندوق جبران خسارت، تنها راه معقول برای دریافت خسارتهای معنادار توسط بازماندگان عذرخواهی، برخی خدمات اجتماعی و جبران‌های مالی به شکل اعاده به وضع سابق به صورت محدود، بازگشت ارقام به سرقت رفته و غارت شده، پرداخت پول برای این ارقام و انجام کار معادل قیمت اموال مقرر شده بود که توسط مقامات محلی و در طول سه ماه و نه توسط خود قربانیان صورت می‌گرفت.^{۶۷} که البته این امر به دلیل شمار زیاد عاملان و مجرمین به تأخیر می‌افتاد.^{۶۸}

اعاده به وضع سابق بدین صورت بود زمانی که مجرم باز می‌گردید، او مجبور بود آسیب‌های وارد به قربانیان را جبران نماید. کار کردن در زمین‌های آنها یکی از اشکال اعاده به وضع سابق است. شکل دیگر پرداخت پول برای جرایم مربوط به اموال است که با حکم زندان کیفر نشده‌اند.^{۶۹} تقریباً حدود ۵۰ درصد از بازماندگان که شکایات خود را برای جبران خسارت برعلیه مرتکبین فردی ارائه داده بودند جبران خسارت پولی و مادی برای آسیب مادی یا غم و اندوه اخلاقی وارد شده به آنها اعطا شده است.^{۷۰}

۶- نگرانی‌ها و انتقادات حقوق بشری دادرسی‌های گاچاچا

سوءاستفاده از حقوق بشر به عنوان یکی از رایج‌ترین نقدها نسبت به عدالت انتقالی است حتی زمانی که سازوکارهای سنتی عدالت انتقالی که منطبق با فرهنگ و جامعه است در میان باشد. شکایتهای وابسته به طرز عمل و رویه شایع‌ترین این انتقادات هستند. نهادها^{۷۱} و حامیان حقوق بشر نسبت به نادیده گرفته شدن حق‌ها و تضمینات رویه‌ای و معیارهای دادرسی منصفانه در سازوکارهای سنتی گاچاچا از جمله حق دسترسی به وکیل، فرض برائت، در اختیار داشتن فرصت دفاع، حق دسترسی به شهود همواره هشدار می‌دهند. در تمام سال‌های فعالیت این دادگاه‌ها عدم توجه به حقوق ذکر شده محور اصلی انتقادات بوده است.

⁶⁴ Presidential Order No. 26/01 of 10/12/2001 Relating to the Substitution of the Penalty of Imprisonment for Community Service (2001), arts.25, 32.

⁶⁵ peace-building in Rwanda, Supervisor William Schabas, National University of Ireland, 2013, p.204.

⁶⁶ 2004 Gacaca Law, art. 54.

⁶⁷ Service National des Juridictions Gacaca, Instruction No. 14/2007 du 30/03/2007.

⁶⁸ Legal Aid Forum, *Monitoring of EDPRS*, 73.

⁶⁹ Ingelaere, Op. cit., p.40.

⁷⁰ IBUKA, "Right to Reparation for Survivors: Recommendations for Reparation for Survivors of the 1994 Genocide Against Tutsi" (discussion paper, IBUKA, Kigali, Rwanda, October 2012), p.7.

⁷¹ Human Rights Watch, *Justice Compromised: The Legacy of Rwanda's Community Based Gacaca Courts*, May 2011.

۱-۶- رعایت دادرسی عادلانه؛ حق برخورداری از محاکمه منصفانه

مهمترین اصل حقوق بشری و ستون فقرات حقها و تضمینات رویه‌ای؛ اصل محاکمه عادلانه است. اگر جامعه بین‌المللی در صدد پشتیبانی از توسل به سازوکارهای سنتی در یک ساختار پسامخاصه باشد، عادلانه بودن دادرسی‌ها بایستی تضمین شوند. حق دادرسی عادلانه نه تنها در بسیاری از اسناد بین‌المللی حقوق بشر مورد شناسایی قرار گرفته، بلکه بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی است. در نتیجه، حق بنیادین دادرسی منصفانه به طریق اولی بایستی در چارچوب روند عدالت سنتی صلح آمیز نیز مورد احترام قرار گیرد.

از انتقادات وارد بر محاکم گاجاچا این است که آنها معمولاً حقوق متهمان برای برخورداری از یک دادرسی عادلانه را انکار می‌نمایند. دادرسی‌ها نیز ممکن است ذهنی‌تر از آن چیزی باشد که از یک محاکمه در سیستم رسمی انتظار می‌رود.^{۷۲} در سال ۲۰۰۹، کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد تبعیت رواندا از تعهداتش در چارچوب میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و سایر اسنادی که تصویب نموده و ملزم به رعایت آنهاست را ارزیابی نمود و به این نتیجه رسید که سیستم گاجاچا مطابق با قواعد اولیه دادرسی منصفانه عمل نکرده است.^{۷۳} همچنین به زعم بسیاری از علمای حقوق بین‌الملل و سازمانهای مردم نهاد دادگاه‌های گاجاچا هنجارهای بین‌المللی حقوق بشر برای محاکمه و دادرسی عادلانه و منصفانه را تأمین نمی‌کنند.^{۷۴}

از زمان استقلال و قبل از ژنوسید ۱۹۹۴، رواندا اسناد بین‌المللی حقوق بشر از جمله میثاقین، کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض نژادی، کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض نژادی علیه زنان) و کنوانسیون حقوق کودک را تصویب کرده است و همچنین از سال ۱۹۸۰ عضو اتحادیه آفریقا بوده است. در نتیجه به زعم کمیسیون آفریقایی حقوق بشر و مردم دادگاه‌های گاجاچا از مقررات فوق در ارتباط با دادرسی عادلانه مستثنی و معاف نیستند. اما علیرغم پذیرش و تصویب اسناد فوق، محاکم گاجاچا به طور واضح حداقل استانداردهای دادرسی عادلانه که توسط چنین معاهداتی تضمین شده و دولت رواندا متعهد و ملزم به رعایت آن بود را برآورده نمی‌کنند.

۲-۶- امکان دسترسی به مراجع قضایی صلاحیتدار، بی‌طرف و مستقل؛ اصل بی‌طرفی و استقلال

دادگاه

حق محاکمه بوسیله دادگاه بی‌طرف، مستقل و صلاحیت‌دار که توسط قانون ایجاد شده باشد در چارچوب بند ۱ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و بند ۱ ماده ۷ منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم تضمین شده است. این حق مطلق است که هیچ استثنایی بر آن پذیرفته نیست.

⁷² Rachel Kerra and Eirin Mobekk, *Peace and Justice: Seeking Accountability after War*, (United Kingdom: OUP, 2007), p.159.

⁷³ UN Human Rights Committee, "Consideration of Reports Submitted by State Parties Under Article 40 of the Covenant, Concluding Observations of the Human Rights Committee," 2009, paras.17,48.

⁷⁴ C. Kirkby, "Rwanda's Gacaca Courts: a preliminary critique", *Journal of African Law*, Vol.50, (2006), p.108; Press Release, Amnesty International United Kingdom, Rwanda: Gacaca Tribunals Must Conform with International Fair Trial Standards, 2002.

بازیگران سازوکارهای غیررسمی عدالت انتقالی با اختیاراتی که برای حل و فصل اختلافات دارند ممکن است از قدرت خود به نفع کسانی که می‌شناسند و یا قادر به پرداخت رشوه هستند سوءاستفاده نمایند، چرا که به آنها اغلب حقوقی پرداخت نمی‌شود این امر می‌تواند نتیجه رسیدگی و بی‌طرفی قضات را تحت تأثیر قرار دهد.^{۷۵}

هر چند به نظر می‌رسد قانون و آیین‌دادرسی ایجاد گاجاچا به روشهای مختلفی استقلال و بی‌طرفی قضات را تضمین می‌نماید؛ قضات گاجاچا بایستی اشخاصی دارای صداقت و امانت‌داری باشند و نباید پست‌های حکومتی داشته باشند و در قضایایی که متهم از بستگان، نزدیکان، دوستان و دشمنان آنها باشند نباید در رسیدگی شرکت نمایند.^{۷۶} اما نگرانی‌های جدی در ارتباط با استقلال و بی‌طرفی واقعی قضات گاجاچا وجود دارد.

سازمان عفو بین‌الملل بعضی از معیارها و ضوابط تعریف نشده بویژه مقررات ماده ۱۲(ج) قانون ارگانیک در خصوص کناره‌گیری و حذف یکی از قضات از فرایند رسیدگی بر اساس درخواست دیگر اعضا زمانی که متهم از دوستان یا دشمنان او باشد و همچنین زمانی که فرقه‌گرایی^{۷۷} و ایدئولوژی نسل‌کشی را تشویق یا هر نوع عملی که با کیفیت شخص معتمد ناسازگار و یا بر خلاف صداقت و شرایط انتخاب شده باشد انجام دهند،^{۷۸} که دست اعضای گاجاچا برای تفاسیر متناقض و سوءاستفاده را باز می‌کند، مورد انتقاد قرار می‌دهد. بیان مبهم مقرر فوق برای تبانی بین اعضاء این پتانسیل را فراهم می‌نماید تا دیگر اعضای که مخالف آنها و یا تهدید کننده طرح‌های آنها باشند با اطمینان حذف نمایند.^{۷۹} این موارد بر بی‌طرفی و استقلال قضات تأثیر چشم‌گیری دارد. با این وجود، علیرغم چنین مقرراتی، هم شدت جرایم ارتكابی و هم طبیعت جامعه رواندا، چالش‌های جدی بر قاطعیت و تمامیت قضات وارد می‌کند. با توجه به گستردگی اعمال خشونت‌آمیز ژنوسید، این احتمال وجود دارد که بیشتر قضات به قربانیان قضایای خاص مرتبط باشند که این امر بی‌طرفی آنها را به چالش می‌کشانند.^{۸۰}

قضات گاجاچا مستعد پذیرش فشار از سوی مقامات دولتی، نخبگان محلی و جامعه هستند. دلایل زیادی برای این مهم وجود دارد. بیشتر قضات به خوبی تحصیل نکرده بودند چرا که ۸۵ درصد آنها بیسواد بودند، بسیاری از آنها از مقطع ابتدایی جلوتر نرفتند. این در حالی است که استانداردهای داخلی در خصوص بی‌طرفی و استقلال مستلزم این است که قضات بایستی بر اساس شایستگی، داشتن مدارک قضایی و اینکه آموزش حقوقی لازم دیده باشند، انتخاب شوند.^{۸۱} علاوه بر این، امور مادی وجود دارند که ممکن است به استقلال قاضی آسیب وارد کند. استقلال زمانی وجود دارد که قضات در هنگام اتخاذ تصمیم زیر بار فشارهای بیرونی نباشند، این امر محقق نمی‌شود مگر قضات حقوق کافی دریافت نمایند. این در حالی

⁷⁵ Ewa, Wojkowska, *Doing Justice: How informal justice systems can contribute*, United Nations Development Programme, 2006, p.22.

⁷⁶ Organic Law 16/2004, Art. 16.

⁷⁷ Culture of divisionism

⁷⁸ Organic Law No. 16/2004 of 19/6/2004, art. 16(3), 16(6).

⁷⁹ Amnesty International. 2002. *Rwanda—Gacaca: A question of justice*. <http://web.amnesty.org/library/index/engaf470072002>, sec.VII(2)(a))

⁸⁰ Pernille Ironside, "Rwandan Gacaca: Seeking Alternative Means to Justice, Peace and Reconciliation", *New York International Law Review*, Vo.31, No.35, (2002), pp.52-53.

⁸¹ United Nations Basic Principles on the Independence of the Judiciary, U.N. Doc. A/Res/40/146 (Dec. 1985, Principle 10).

است که قضات گاجاچا حقوقی دریافت نمی‌کردند و یا در واقع، حقوق ناچیزی دریافت می‌کردند.^{۸۲} بسیاری از قضات از لحاظ مادی جایگاه اجتماعی بالایی نداشتند.^{۸۳} این عوامل باعث می‌شوند آنها مستعد فساد باشند و از این رو استقلال و تمامیت آنها به خطر می‌افتد. علاوه بر این، همانگونه که سازمان عفو بین‌الملل در پایان نتیجه می‌گیرد بی‌طرفی اعضای گاجاچا نمی‌تواند در محیطی که تحت‌الشعاع روابط خانوادگی یا دوستانه و محیط اجتماعی - سیاسی که توسط سیاسی‌شدن اختلافات شخصی و نارضایتی یا مخالفت با دولت فعلی توصیف می‌شود، تضمین شود.

۳-۶- برابری و تساوی افراد در مقابل دادگاه؛ اصل برابری سلاح‌ها با تأکید بر حق دفاع توسط وکیل

برابری سلاح‌ها بین نهاد تعقیب و متهم بدین معنی است که طرفین به طور کلی حقوق رویه‌ای مشابهی مانند حق دفاع و برخورداری از وکیل مدافع، حق بررسی شواهد، وقت و تسهیلات کافی برای تهیه دفاع از خود و ... دارند. سازمان عفو بین‌الملل در گزارشهای خود در انتقاد از گاجاچا اظهار می‌دارد که حفاظت‌های قانونی مقرر در بند ۱ و ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، که تضمین‌کننده اصل برابری سلاح‌ها بین طرفین در فرایند رسیدگی گاجاچا هستند نقض شده است.^{۸۴} مطابق ماده فوق همه در مقابل دادگاه‌ها مساوی و حق برخورداری از تضمین‌های زیر را خواهند داشت: رسیدگی به دادخواهی بصورت منصفانه و علنی در یک دادگاه صالح مستقل و بی‌طرف، وقت و تسهیلات کافی برای دفاع از خود و ارتباط با وکیل منتخب خود داشته باشد و در صورتی که وکیل نداشته باشد حق داشتن یک وکیل به او اطلاع داده شود. منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم که رواندا نیز عضو آن به شمار می‌رود از مقرر مشابهی در ماده ۷ (۱) (د) جهت تضمین حقوق متهم دفاع می‌نماید.

سازمان عفو بین‌الملل به طور خاص ادعا می‌کند که نهاد تعقیب از امتیازاتی زیادی بر متهم برخوردار است، چرا که بیشتر قضایا در گاجاچا بر مبنای اسناد و مدارکی که توسط نهاد تعقیب تهیه شده است، تصمیم‌گیری می‌شود. مهمتر از همه، برای متهم بدون برخورداری از نهاد مشاوره، مقابله و دفاع موثر با مواردی که توسط مقامات دولتی تهیه شده است مشکل است.^{۸۵}

ساده بودن روند دادرسی‌های گاجاچا اصل اساسی برابری سلاح‌ها را به روشهای مختلفی انکار می‌کند. اولاً، قانون گاجاچا به متهمین اجازه برخورداری از داشتن وکیل نمی‌دهد که این امر بر خلاف استانداردهای بین‌المللی دادرسی عادلانه است. متهم بدون برخورداری از وکیل مدافع، توانایی دفاع موثر و مقابله با مدارک و اسنادی که توسط مقامات دولتی تهیه شده است، را ندارد. این امر بویژه زمانی مشکل ساز است که اکثر متهمین تحصیلات سطح پایین را داشتند و از حقوق خود

⁸² Gacaca Jurisdictions: Interim Report of Observations June 10 - Aug. 8, 2002.

⁸³ Service National des Juridictions Gacaca, *Report on Improving the Living Conditions for the Inyangamugayo*, p.3.

⁸⁴ Amnesty International, Op. cit.

⁸⁵ Ibid.

آگاهی بسیار محدود داشتند. این دلایل باعث می‌شود که قضات غیرانتصابی گاجاچا و متهمین که هر دو فاقد مهارت‌های حقوقی‌اند، توانایی به چالش کشیدن اطلاعات مقرر پرونده‌ها را نداشته باشند.^{۸۶}

بحث‌های زیادی در سیستم گاجاچا بر نبود مشاوران و وکلای مدافع متمرکز شده‌اند. در واقع، هیچ یک از سازمان‌های حقوق بشری از مشارکت وکلای مدافع در سیستم گاجاچا حمایت نمی‌نمایند.^{۸۷} برابری سلاح‌ها مستلزم برخورداری از حق مشاور یا وکلای مدافع در گاجاچا نیست چرا که قضات حرفه‌ای نبودند، دادرسی دولتی در جلسات رسیدگی مشارکت نمی‌کردند. لانگمن اظهار می‌دارد مشارکت جامعه از حقوق متهم و شاید حتی بهتر از وکلای مدافع و مشاورین دفاع می‌نمود.^{۸۸} اما در عمل، گاجاچا اغلب از تضمین اصل برابری سلاح‌ها ناتوان بود چرا که برخی از این محاکم به متهم حق دفاع از خود و حق ارائه شواهد و مدارک را نمی‌دادند.^{۸۹} متهمان قبل از جلسه دادرسی به پرونده خود دسترسی نداشتند از این رو قادر نبودند شواهد و مدارک خود را برای دفاع از خود ارائه تا قضات را متقاعد نمایند.^{۹۰} از این رو این عوامل، ممکن است موضع متهم را به مخاطره افکند. علاوه بر این، اسناد و مدارک متهمین به طور دقیق و کافی مورد بررسی قرار نمی‌گرفت. دولت رواندا تصریح می‌کرد با توجه به طبیعت دادگاه‌ها به عنوان میعادگاه جامعه، رجوع به وکلای دادگستری حرفه‌ای صرفاً مانعی برای تعادل و جایگاه برابر متهم، شکات و قضات و شاهدان خواهد بود، چرا که در این سیستم متهمین و هم شکات از جایگاه برابری برخوردار بودند.^{۹۱} با توجه به این تفسیر، دفاعیات بر مبنای واقعیات صورت می‌گرفت، و قضات که خودشان حقوقدان رسمی نبوده‌اند با اصول پیچیده آیین دادرسی به مانع بر نمی‌خورند.

۴-۶- صدور آرای منصفانه، مستدل و منطقی؛ ضعف در قضاوت

دادرسی عادلانه به طور ضمنی نیازمند قضاوت منطقی است. قضاوت منطقی شفافیت را تضمین و از متهم در برابر قضاوت‌های دلخواهی و خودسرانه حمایت می‌کند. از این رو، آنها استقلال و بی‌طرفی قضات را تقویت و همچنین برای حق تجدیدنظرخواهی ضروری به شمار می‌رود.

قانون گاجاچا مقرر می‌داشت که احکام و آرا بایستی منطقی و مستدل باشند. سازمان وکلای بدون مرز از دادگاه‌های گاجاچا به دلیل عدم مستدل نبودن آرا انتقاد می‌نماید چرا که بسیاری از آرا در نحوه استدلال ناقص و نادرست بودند. همچنین دادگاه‌های گاجاچا به ندرت استدلال‌های حقوقی یا شواهدی برای توجیه تصمیماتشان فراهم می‌کردند. در نتیجه نه طرفین دعوا و نه جامعه می‌توانستند منطق و قانونی بودن تصمیم را درک کنند.^{۹۲}

⁸⁶ Maya Goldstein Bolocan, "Rwandan Gacaca: An Experiment in Transitional Justice", *Journal of Dispute Resolution*, Vol.2, Issue 2, (2004), p.387

⁸⁷ Phil Clark, "Hybridity, Holism, and 'Traditional' Justice: The Case of the Gacaca Courts in Post-Genocide Rwanda," *George Washington University International Law Review*, Vol.39, (2007).

⁸⁸ Timothy Longman, "Justice at the grassroots? Gacaca Trials in Rwanda" In *Transitional Justice in the Twenty-First Century, Beyond Truth versus Justice*, ed. Naomi Roht-Arriaza and Javier Mariezcurrena, (Cambridge, New York: Cambridge University Press), P. 218.

⁸⁹ National Commission for Human Rights, *Annual Report 2005-2007*, pp.30-31.

⁹⁰ Organic Law No. 16/2004 of 19/6/2004, art.64-68.

⁹¹ Amnesty International, Rwanda Gacaca: A Question of Justice 4 (Dec. 2002), p.36.

⁹² Avocats sans frontières, *Rapport analytique*, No.4, pp. 17, 38-40; No.5, p. 32.

علاوه بر این، برخی از محققان تأکید کرده‌اند که فقدان رژیم تأیید شواهد و مدارک، که می‌توانست نشان دهد که کدام مدارک و شواهد قابل قبول و چه میزان احتمال وقوع جرم برای محکوم کردن متهمان لازم است، منصفانه و مستدل بودن این سازوکار را به چالش می‌کشد. در این رابطه سازمان دیده‌بان حقوق بشر اظهار می‌دارد که هر گونه روبه دادرسی برای بررسی شایعات در عوض اینکه تحقیق نماید که اظهار نظر اصلی را چه کسی صورت داده است و یا اینکه خواستار این شود که آیا این شخص می‌تواند به عنوان شاهد حضور پیدا کند، به طور کامل از بین رفته است.^{۹۳}

۵-۶- فرض برائت

فرض برائت در بند ۲ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بدینگونه تضمین شده است: هر کس به ارتکاب جرمی متهم شده باشد حق دارد بیگناه فرض شود تا اینکه مقصر بودن او بر طبق قانون محرز شود. در سیستم گاجاچا، دولت سوابقی برای زندانیان پیش از روند محاکمه تهیه می‌کند. این سوابق قبل از اینکه در گاجاچا ارائه شوند، بازبینی و تصدیق می‌شوند. با این وجود، به دلیل اینکه دادگاه اغلب فرایند رسیدگی را در نبود متهمین در مرحله پیش از محاکمه اجرا می‌نماید و قانون گاجاچا به متهمین اجازه مشاوره حقوق نمی‌دهد، فرایند رسیدگی به شدت بر علیه متهم سنگینی می‌نماید. سازمان عفو بین‌الملل استدلال می‌نماید که این پروسه رسیدگی، فرض گناه و نه بی‌گناهی را ایجاد می‌نماید و باعث می‌شود عدالت به مقصد خود نرسد.^{۹۴} بنابراین، گاجاچا به روشهای دیگری اصل برابری سلاحها را نقض می‌نمود. نخست، برخی از محاکم فرض برائت را معکوس می‌نمودند بدین گونه که فرض بر گناهکاری متهم است تا زمانی که بی‌گناهی خود را ثابت نمایند.^{۹۵} دوم، حمایت‌های کافی برای جلوگیری از خود اتهامی فراهم نمی‌کرد. مهمترین مشکل این است که انگیزه‌های زیادی برای اعتراف به اتهامات وجود دارد، یک شخص ممکن است برای جلوگیری از محکومیت طولانی مدت در زندان به جرایمی که مرتکب نشده است اعتراف کند. قانون ۲۰۰۴ گاجاچا برای اشخاصی که علیرغم آگاهی از دادن شهادت خودداری می‌کردند، ضمانت اجرای کیفری مقرر کرده بود.^{۹۶}

۶-۶- عدم مشروعیت؛ مشروعیت جزئی^{۹۷}

هر چند مسأله مشروعیت اغلب در سازوکارهای سنتی عدالت به دلیل فرض اعتبار بوسیله اعضای این مکانیسم‌ها که در مورد حل و فصل اختلافات تصمیم‌گیری می‌نمایند، مورد توجه قرار نمی‌گیرد.^{۹۸} اما در واقع انتقادات مربوط به مشروعیت یکی از مهمترین چالش‌های اصلی است که سازوکارهای سنتی بویژه گاجاچا با آن مواجه‌اند. به طور خاص، قضات گاجاچا برای حفظ اصول اساسی عدالت به کار گرفته می‌شدند، اگر درستی و صداقت یک قاضی در معرض خطر قرار می‌گرفت،

⁹³ Human Rights Watch, *Op. cit.*, p.72.

⁹⁴ Amnesty International, "Rwanda: Gacaca—Gambling with Justice," 19 June 2002. <http://web.amnesty.org/library/index/ENGAFR470032002>

⁹⁵ Avocats sans frontières, *Rapport analytique No.5*, pp.34-35; *No.4*, pp.35-36.

⁹⁶ 2004 *Gacaca Law*, art. 29.

⁹⁷ Partial legitimacy

⁹⁸ Kerr, Rachel; Mobekk, Eirin. *Op. cit.*, p.157.

این امر کل سیستم را به خطر می‌انداخت. تعداد بسیار زیادی از افراد که به عنوان قاضی انتخاب شده بودند بعداً به عنوان مرتکبین ژنوسید شناخته شدند.^{۹۹} علاوه بر این، محاکم گاجاچا بر سازش و حقیقت‌یابی متمرکز بودند و اگر یک قاضی مورد اعتماد نباشد تا پاسخگو باشد، چه کسی باید باشد؟

در سطح محلی، قربانیانی که توسط این قضات آسیب دیده بودند زمان بسیار زیادی طول می‌کشید تا ستم آنها جبران شود و یا اصلاً جبران نمی‌شد. در مقیاس جمعی، قضات دروغین و غیر قابل اعتماد، مشروعیت دادگاه‌های گاجاچا و دولتی که آنها را تایید می‌کند را تضعیف و به چالش می‌کشاند.

یکی دیگر از مشکلات مربوط به مشروعیت این است که قضات هیچ آموزش حقوقی فراتر از یک دوره اساسی در خصوص نحوه اداره محاکم گاجاچا ندیده بودند. حمایت و پشتیبانی از حقوق کار بسیار سختی است حتی برای قضات و وکلای تحصیل کرده. بدترین جنایتکاران در تاریخ رواندا، توسط افرادی که هیچ اطلاعی از حقوق و قانون ندارند، به پای میز محاکمه کشیده شدند.^{۱۰۰} دادگاه‌های گاجاچا همچنین ممکن است برای اجازه دادن به مردم برای انتخاب قضات بر اساس شهرت فردی آنها در صداقت و درستکار بودن، در دسترس بودن اطلاعات بیشتر و یا هر گونه نظارتی، مقصر شناخته شوند.^{۱۰۱} مردم هرگز درباره مقامات منتخب خود همه چیز را نمی‌دانند. اجازه دادن به مردم برای انتخاب کسانی که می‌خواهند اشخاص خاصی عدالت را در دادگاه‌ها اداره نماید نه تنها مطابق با اصول حقوق نیست بلکه خلاف استانداردهای حقوقی نیز می‌باشد.

مشروعیت محاکم گاجاچا می‌تواند با این واقعیتها (فقدان نظارت و قانونگذاری، عدم دریافت مزد و حقوق و ...) که آنها با آن مواجه هستند و در نتیجه در معرض فساد، دریافت رشوه و سوء استفاده قرار می‌گیرند، فرسایش یابد.

از دیگر ضعف‌های دادگاه‌های گاجاچا در طول روند دادرسی بیرون می‌آید، دولت رواندا ممکن است بیش از حد مداخله کند و مشروعیت دادگاه‌ها را تضعیف نماید.^{۱۰۲} ایده تشکیل گاجاچا این بود که عدالت در سطح جامعه محقق شود تا امکان دستیابی به سازش برای مردم فراهم شود. زمانی که دادرسی دستخوش دخالت دولت ملی قرار گیرد، کل سیستم تحلیل و تضعیف می‌شود. علاوه بر این، دولت رواندا در راستای منافع خود اتهامات دروغین علیه مخالفان سیاسی خود نسبت داده است. اگر دولت از سیستم گاجاچا بدین گونه استفاده نماید، این امر به مشروعیت کلی دادگاه‌ها در چشم مردم رواندا و جامعه بین‌المللی آسیب می‌رساند. علاوه بر این، دولت اغلب مردم را به مشارکت مجبور می‌کند و از ترک آنها بعد از ورود جلوگیری می‌کند، مشارکت اجباری شدیداً حق اشخاص را نقض و قدرت عدالت آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد.^{۱۰۳} همچنین سرعت انجام دادرسی‌ها از دیگر مشکلات است که این امر زمان کافی برای متهم فراهم نمی‌کند تا پرونده خود یا شواهدی برای اثبات ادعاهای خود ارائه دهد.^{۱۰۴}

⁹⁹ Megan, Op. cit., p.354.

¹⁰⁰ Julia Crawford, *Hopes and Fears as Kigali Launches Participative Justice*, Hironnelle News Agency (Lausanne), 2001.

¹⁰¹ Sheenah Kaliisa, *Kigali Begins Training Judges for New Justice System in December*, Internews (Arusha), Oct. 25, 2001.

¹⁰² *Controversial Assessment of the Gacaca Courts*, HIRONDELLE NEWS AGENCY (Lausanne), Jan. 3, 2008.

¹⁰³ Lars Waldorf, *Mass Justice*, Op. cit., pp.42, 68.

¹⁰⁴ Mark Drumbl, Mark, "Law and Atrocity: Settling Accounts in Rwanda", *Ohio Northern University Law Review*, vol.31, (2005), p. 49.

۶-۷- ترویج فساد

ماهیت شفاهی و دلبخواهی حقوق محلی فاقد شفافیت است و اجازه می‌دهد تا پتانسیل زیادی برای تعصب، تبعیض، رشوه و دیگر سوءاستفاده‌ها از جمله مداخله در عدالت، مجازات‌های خشونت‌آمیز و محاکمه‌های خودسرانه وجود داشته باشد. با توجه به فقدان نظارت و قانونگذاری بر چنین نهادهایی، هیچ‌گونه ضمانتی برای محافظت در برابر چنین سوءاستفاده‌هایی وجود ندارد. علاوه بر این، بزرگان روستا به طور کلی بر اساس احترام و شأن و منزلتشان انتخاب می‌شوند و هیچ نظارتی که در سیستم رسمی بر انتخاب قضات وجود دارد در اینجا وجود ندارد. از این رو، این سیستم‌ها اغلب در معرض فساد قرار می‌گیرند. از این رو، غیرواقع بینانه است که اعتقاد داشته باشیم که سیستم عدالت غیررسمی در برابر فساد، خیانت و سایر عوامل موثر بر عادلانه بودن دادرسی مصون است

عدم ایجاد صندوق جبران خسارت در رواندا، انگیزه مشارکت قربانیان برای شرکت در گاجاچا را کاهش داد. و در این راستا، سازمان اصلاحات کیفری بین‌المللی ابراز نگرانی می‌کند که بدون جبران خسارت، بازماندگان ممکن است سکوت یا شهادتشان را در دادگاه‌های گاجاچا بفروشند.^{۱۰۵}

بازیگران عدالت غیررسمی با اختیاراتی که برای حل و فصل اختلافات دارند ممکن است از قدرت خود به نفع کسانی که می‌شناسند و یا قادر به پرداخت رشوه هستند سوءاستفاده نمایند، چرا که به آنها که اکثراً از لحاظ مادی منزلت اجتماعی بالایی نداشتند، اغلب حقوقی پرداخت نمی‌شود این امر نه تنها می‌تواند نتیجه رسیدگی را تحت تأثیر قرار دهد.^{۱۰۶} بلکه آنها را در معرض فساد و فشار مقامات دولتی قرار می‌دهد.

فرجام سخن

به طور کلی، مباحث فوق ما را به این نتیجه رساند که هر چند سیستم‌های بومی گاجاچا کامل نیستند و مشکلاتی در بردارند، اما نه تنها یکی از روش‌های موثر برای حل و فصل اختلافات بلکه همچنین پتانسیل دستیابی به موارد ضروری جامعه پسامخامه رواندا یعنی عدالت، مسئولیت، حقیقت‌یابی، جبران خسارت و در نتیجه صلح و سازش را دارند. گاجاچا اثرات مفیدی در ارتباط با اهداف کلی‌تر عدالت انتقالی یعنی اصلاح‌های اجتماعی، صلح‌سازی و دولت‌سازی داشته، آنها ثابت کرده‌اند که شکل موفقی از عدالت انتقالی برای جامعه رواندا بوده‌اند، و به عنوان مدل مفیدی برای ایجاد سیستم عدالت انتقالی در آینده عمل می‌نماید. پیاده‌سازی گاجاچا نیازمند ساختار پیچیده یا هزینه‌های گزاف نیست.^{۱۰۷} آنها به راحتی و بدون هزینه در دسترس مردم محلی قرار دارند، و دستیابی به عدالت را تسریع می‌بخشند، علاوه بر این، محاکم گاجاچا باعث پاکسازی زندانها و در نتیجه ادغام مجدد عاملان جرایم در جامعه پس از گذار با هدف اجتماعی کلی ایجاد رواندای

¹⁰⁵ Penal Reform International, *Rapport de synthèse de monitoring et de recherché sur la gacaca: Phase pilote janvier 2002-décembre 2004* (2005), p.50.

¹⁰⁶ Ewa, Wojkowska, Op. cit., p.22.

¹⁰⁷ See Indigenous Democracy: Traditional Conflict Resolution Mechanisms, edited by Betty Rabar, Martin Krarimi, Intermediate Technology Development Group, January 2004.

متحد شدند. بنابراین، مکانیسم سنتی گاچاچا بایستی مورد ستایش قرار گیرد نه تنها به خاطر آن چیزی که برای جامعه انتقالی رواندا انجام داده‌اند بلکه برای پتانسیلی که این سازوکارها برای دیگر جوامع در دنیای مدرن به همراه دارند. در ارزیابی عملکرد سیستم گاچاچا باید گفت که این سازوکارهای به ظاهر سنتی بدون این که لازم باشند به دنبال تحقق عدالت کیفری باشند هم می‌توانند به نوبه خود نسخه متفاوتی از عدالت (ترمیمی) را اجرا نمایند. در مجموع سازوکارهای سنتی گاچاچا بهتر از سازوکارهای کیفری بین‌المللی می‌توانند اهداف عدالت انتقالی را محقق نمایند. این سازوکارها به دلیل تناسب با فرهنگ بومی و انطباق با شرایط اقتصادی، اجتماعی جامعه انتقالی در راه تحقق اهداف مذکور موفق‌تر عمل می‌نمایند و می‌توانند مرهمی بر زخمهای وارده بر جامعه باشند. اگر سازوکاری از سوی جامعه بین‌المللی تعبیه می‌گردد باید ارتباط خود را با جامعه انتقالی محفوظ و ملاحظات جامعه انتقالی را مدنظر داشته باشد در غیر این صورت تحقق اهداف عدالت انتقالی از سوی این سازوکارها غیرممکن می‌گردد. همانگونه که شورای امنیت سازمان ملل نیز مقرر می‌دارد: اهمیت ارزیابی عدالت و حاکمیت قانون خاص در هر کشوری نیازمند در نظر گرفتن ماهیت نظام حقوقی، سنت‌ها و نهادهای کشور است.^{۱۰۸}

در نهایت، حقوق بشر ایده‌آل در جوامع در حال گذار محصولی است مشترک، بین اتخاذ روشهای سنتی عدالت انتقالی و سازوکارهای رسمی. در سیستم همکاری علاوه بر اینکه از ماهیت پویای حقوق محلی محافظت بلکه سیستم محلی با نظارت دولت مرکزی مطابق با استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر حرکت می‌کند و تأثیر مثبتی بر وضعیت حقوق بشر در کشورهای پس از گذار خواهد داشت.

منابع:

Books & Articles:

- Clark, Phil., "Hybridity, Holism, and 'Traditional' Justice: The Case of the Gacaca Courts in Post-Genocide Rwanda," *George Washington University International Law Review*, Vol.39, 2007.
- Drumbl, Mark, "Law and Atrocity: Settling Accounts in Rwanda", *Ohio Northern University Law Review*, 41, 2005
- Drumbl, Mark. *Atrocity, Punishment, and International Law*, New York: Cambridge University Press., 2007.
- Ebnother, Anja and Fluri, Philipp, *After Intervention: Public Security Management in Post-Conflict Societies.*, Vienna and Geneva: Pfp Consortium Working Group Security Sector Reform, 2005.
- Ferstman, Cara J. "Domestic Trials for Genocide and Crimes Against Humanity: The Example of Rwanda", *AJICL*, Vol.9, 1997.
- Goldstein Bolocan, Maya. "Rwandan Gacaca: An Experiment in Transitional Justice", *Journal of Dispute Resolution*, Vol.2, Issue 2, 2004.
- Ingelaere, Bert. "The Gacaca courts in Rwanda", In *Traditional Justice and Reconciliation after Violent Conflict: Learning from African Experiences* edited by Huys, Luc & Salter, Mark, Stockholm: International Institute for Democracy and Electoral Assistance, Stockholm, 2008.

¹⁰⁸ Jones Parry, Sir Emyr. President of the Security Council. 2004. Presidential Statement on Justice and the Rule of Law: The United Nations' Role: a statement on behalf of the Security Council 6 Oct, 2004.

- Ironside, Pernille., “Rwandan Gacaca: Seeking Alternative Means to Justice, Peace and Reconciliation”, *New York International Law Review*, Vo..31, No.35, 2002.
- Kerr, Rachel and Eirin Mobekk. *Peace and Justice: Seeking Accountability after War*, UK: OUP, 2007.
- Kirkby, C. “Rwanda’s Gacaca Courts: a preliminary critique”, *Journal of African Law*, Vol.50, 2006.
- Lekha Sriram, Chandra et al., eds., *Transitional Justice and Peace building on the Ground: Victims and Ex-Combatants*, New York: Routledge, 2013.
- Longman, Timothy. “Justice at the grassroots? Gacaca Trials in Rwanda” In *Transitional Justice in the Twenty-First Century, Beyond Truth versus Justice* edited by Naomi Roht-Arriaza and Javier Mariezcurrena, Cambridge, New York: Cambridge University Press.
- Magnarella, Paul. *Justice in Africa: Rwanda’s Genocide, Its Courts, and the UN Criminal Tribunal*, Brookfield: Ashgate, 2000.
- Mibenge, Chiseche. "Enforcing International Humanitarian Law at the National Level: The Gacaca Jurisdictions of Rwanda," *YIHL*, Vol.7, 2007.
- Nyseth Brehm, Hollie et al. “Genocide, Justice, and Rwanda’s Gacaca Courts”, *Journal of Contemporary Criminal Justice*, 2014, Vol.30.
- Penal Reform International, *Access to Justice in Sub-Saharan Africa: The Role of Traditional and Informal Justice Systems*, London: PRI, 2002
- Quinn, Joanna. *Reconciliations: Transitional Justice in Post Conflict Societies*, Quebec: McGill University Press, 2009
- Reyntjens, Filip. “Gacaca, or justice on the grass in Rwanda”, *Politique Africaine*, No.40, 1990.
- Tepperman, Jonathan. "Truth and Consequences", *Foreign Affairs*, 2002.
- Trevisan, Stefano. “The Gacaca Courts – where Western human rights faced the Rwandan Informal Justice System”, *International Law, Human Rights and Informal Justice*, Tilburg University, 2011.
- Waldorf, Lars. “Mass Justice for Mass Atrocity: Rethinking Local Justice as Transitional Justice,” *Temple Law Review*, Vol.79, No.1, 2006.
- Westberg, Megan. “Rwanda’s Use of Transitional Justice After Genocide: The Gacaca Courts and the ICTR”, *Kansas Law Review*, Vol. 59, 2010.

Documents:

- Amnesty International, “Rwanda: Gacaca—Gambling with Justice,” 19 June 2002.
- Amnesty International. 2002. Rwanda—Gacaca: A question of justice. sec.VII(2)(a))
- Avocats Sans Frontières, Monitoring of the Gacaca Courts, Kigali, Rwanda: ASF, 2007.
- Avocats sans frontières, Rapport analytique No.4-5.
- Controversial Assessment of the Gacaca Courts, HIRONDELLE NEWS AGENCY (Lausanne), Jan. 3, 2008.
- Crawford, Julia. Hopes and Fears as Kigali Launches Participative Justice, Hirondelle News Agency (Lausanne), 2001.
- Gacaca Jurisdictions: Interim Report of Observations June 10 - Aug. 8, 2002.
- Gacaca Living Together again in Rwanda? (Dominant 7/Gacaca Productions 2002)
- Human Right Watch, “Justice Compromised. The Legacy of Rwanda’s Community-Based Gacaca Courts”, 2011, 72.
- IBUKA, "Right to Reparation for Survivors: Recommendations for Reparation for Survivors of the 1994 Genocide Against Tutsi" (discussion paper, IBUKA, Kigali, Rwanda, October 2012).
- International Institute for Democracy and Electoral Assistance, “Traditional Justice and Reconciliation after Violent Conflict: Learning from African Experiences”, 2008.

- Jallow, Hassan B. Chief Prosecutor UNICTR & Under Sec'y-Gen., United Nations, Commemoration of 1994 Rwandan Genocide, 2010.
- Jones Parry, Sir Emyr. President of the Security Council. 2004. Presidential Statement on Justice and the Rule of Law: The United Nations' Role: a statement on behalf of the Security Council 6 Oct, 2004.
- Law No. 02/98 of 22/01/1998; Law No. 69/2008 of 30/12/2008.
- Legal Aid Forum, Monitoring of EDPRS.
- Mukantaganzwa, D. (2012). Interview with the executive secretary of National Gacaca Service Domithile Mukantaganzwa on the eve of closing of Gacaca courts.
- National Commission for Human Rights, Annual Report 2005-2007.
- Organic Law No. 16/2004 of 19/6/2004.
- Organic Law No. 40/2000 OF 26101/2000.
- Organic Law No. 40/2001 of 26101/2001.
- Organic Law No.08/96 of 30/8/1996.
- peace-building in Rwanda, Supervisor William Schabas, National University of Ireland, 2013.
- Penal Reform International, Rapport de synthèse de monitoring et de recherché sur la gacaca: Phase pilote janvier 2002-décembre 2004 (2005).
- Presidential Order No. 26/01 of 10/12/2001 Relating to the Substitution of the Penalty of Imprisonment for Community Service (2001).
- Press Release, Amnesty International United Kingdom, Rwanda: Gacaca Tribunals Must Conform with International Fair Trial Standards, 2002.
- Rwanda's Organic Law No. 08/96.
- Service National des Juridictions Gacaca, Instruction No. 14/2007 du 30/03/2007.
- Sheenah Kaliisa, Kigali Begins Training Judges for New Justice System in December, Internews (Arusha), Oct. 25, 2001.
- SNJG Monthly Progress Reports, Activities during the Gacaca trials in Rwanda, July 2006–February 2007.
- The Listener, 14 December 1939.
- Towards a comprehensive and holistic transitional justice policy for Uganda, Avocats Sans Frontières, 2013.
- UN Human Rights Committee, “Consideration of Reports Submitted by State Parties Under Article 40 of the Covenant, Concluding Observations of the Human Rights Committee,” 2009.
- United Nations Basic Principles on the Independence of the Judiciary, U.N. Doc. A/Res/40/146 (Dec. 1985).
- Waldorf, Lars. Transitional Justice and DDR: The Case of Rwanda, International Center for Transitional Justice June 2009.
- Wojkowska, Ewa. Doing Justice: How informal justice systems can contribute, United Nations Development Programme, 2006.